

## بررسی فقهی حقوقی ولایت در تادیب موارد و آثار آن

لطف الله حیدرخواه

۱- گروه الهیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهدشت، دهدشت، ایران.

ایمیل: edalatpanah1367@gmail.com

### چکیده

این مقاله به بررسی فقهی حقوقی ولایت در تادیب موارد و آثار آن می پردازد و روش تحقیق بصورت کتابخانه ای بوده است. در خصوص تادیب میان فقها و حقوقدانان تقریباً دیدگاه های مشترکی وجود دارد. به عقیده حقوقدانان تادیب به معنای به کارگیری نوعی مجازات خفیف برای ادب کردن می باشد و با توجه به احوال مجرم نوع حکم دادگاه حقوقی متفاوت است. از دیدگاه فقها تادیب نوعی تربیت و تزکیه همراه با زجر و تنبیه به عنوان وظیفه والدین در مقابل فرزندان، معلم در قبال دانش آموز و مرد در قبال زن می باشد، برخی دیگر از فقها تادیب را به معنای بازداشتن و ترساندن شخص برای جلوگیری از انجام عمل ناشایست می دانند. نتایج مقایسه ولایت در تادیب در فقه و حقوق نشان می دهد که در مورد مسئله ولایت دیدگاه ها یکسان بوده و موارد فقهی و حقوقی برگرفته از آیات و روایات می باشد.

واژه های کلیدی: تادیب، ولایت، فقه و حقوق

## ۱ مقدمه:

از جمله مسائل حساس و مهم تربیتی که خانواده ها و جوامع بشری دچار آن هستند، چگونگی برخورد با اعمال و کردار ناروای کودکان است. در دیدگاه اسلام و فقه شیعه که در کشور ما منبع اصلی قانون گذاری محسوب می گردد. علاوه بر توجه خاص به امور تربیتی کودکان و رشد سعادت آنان، در مواردی نیز تادیب کودکان و رشد و سعادت آنها، در مواردی تادیب کودکان به جهت رعایت مصلحت و غبطه آنها، جایز و بلامانع دانسته شده است. این عبارات مشهور فقهای امامیه ذکر شده است.<sup>۱</sup> تادیب در لغت به معنی کسی را برای کار بدی عقوبت و کیفر دادن است. تربیت و تعلیم آداب نیک، ریاضت و فضایل اخلاقی به افراد و عقوبت و مجازات برای انجام زشتی ها و آداب ناپسند از دیگر تعریف هایی است که می شود برای تادیب بیان نمود.<sup>۲</sup> در این مطالعه به بررسی فقهی حقوقی ولایت در تادیب موارد و آثار آن پرداخته می شود و نظر فقها و حقوقدانان را مورد تفسیر قرار داده و با دیدگاه های سایر فقها مقایسه می نمایم.

## تادیب در قرآن:

در قرآن نیز در خصوص مساله تادیب نیز آیات متعددی آورده شده که به بررسی برخی از این آیات پرداخته می شود.

((.... و لتكن منكم امة يدعون الى الخير و يامرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و اولئك هم المفلحون))

این آیه در خصوص امر به معروف و نهی از منکر می باشد و به معنای این است که مسلمانان می توانند مردم را به نیکوکاری و انجام کارهای خیر تشویق نمایند و چنانچه این کار را انجام دهند به رستگاری خواهند رسید. مفهوم دیگری که از این آیه برداشت می گردد نهی کردن از انجام کار بد است که باید توسط حاکم اسلامی صورت پذیرد.

در خصوص مساله تادیب خداوند در سوره نساء به تنبیه زنان در صورت مخالفت زنانشان اشاره می کند و می فرماید:

((الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على ابعض و بما انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله و اللاتي تخافون نشوزهن فعظوهن واهجرهن في المضاجع واضربوهن فان اطعنكم فلا تبغوا عليهن سبيلا ان الله كان عليا كبيرا))

مفهوم این آیه در ارتباط با پیروی زنان از مردانشان است و بر اساس آن مردان وظیفه دارند که به زنان نفقه دهند و زنان در مقابل مردان موظف اند که حافظ حقوق مردان باشند و از فرمان مردانشان سرپیچی نکنند و چنانچه سرپیچی کنند مردان می توانند آنها را تنبیه نمایند.

در خصوص مسئله تادیب خداوند تبارک و تعالی با توجه به نوع عملی که از شخص بروز می دهد مجازات را برای او در نظر می گیرد. در برخی از جاها نصیحت را لازم می داند. برخی جهات تنبیه بدنی و گاهی هم قصاص را بعنوان یک نوع مجازات برای جلوگیری از فاسد شدن جامعه می داند.

تادیب در سنت

در خصوص تادیب از ائمه اطهار روایات متعددی نقل شده که در زیر به برخی از آنها اشاره می گردد:

امام صادق(ع) در خصوص تادیب می فرماید: (( خداوند تبارک و تعالی پیامبر را تادیب کرد و نیکو تربیت نمود و به او دین و امت را واگذار کرد تا اداره امور آنها را بر عهده بگیرد.))<sup>۳</sup>

در سخنی از امام رضا(ع) از روزه کودک هفت ساله به عنوان تمرین انجام عمل واجب یاد می شود که خود نوعی تادیب است. در خصوص ربا امام صادق(ع) می فرماید: (( باید تادیب گردد و چنانچه اصلاح نشود و عملش را دوباره تکرار نماید، باز هم تعزیر می گردد و اگر دوباره تکرار نمود کشته می شود.))<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> مهیار، رضا، فرهنگ ابعدی عربی - فارسی، ص ۳۳.

<sup>۲</sup> طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، ج ۲، ص ۵.

<sup>۳</sup> کلینی، الکافی، ج ۱، کتاب الحججه، باب التفویض الی الرسول الله، ص ۲۶۶.

<sup>۴</sup> حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۵۹.

**ولایت بر تادیب طفل و مجنون**

به استناد ادله فقهی در مباحث کلامی به اثبات رسیده است که امام معصوم (ع) دارای ولایت مطلقه است و پرتو ولایتش امور مختلف از جمله ولایت بر تادیب را نیز فرا می گیرد. این حکم مورد توافق فقها است و جای تردید و ابهامی در آن وجود ندارد.<sup>۵</sup> حاکم شرع بر تادیب صبی و مجنون ولایت دارد. شاید دلیل اینکه فقها مسلم می دانسته اند و به نظرشان مفروغ عنه بوده است. بدین مسئله نپرداخته اند و فقط برخی از بحث ها را مطرح کرده اند.<sup>۶</sup>

از معنی و مفهوم برخی از آیات برداشت می گردد که پیامبر اکرم و حضرت امیر المومنین (ع) صبی ممیز و مجنون را به جهت ارتکاب فحشاء و معاصی تادیب می نمودند و برای انجام آن ولایت داشته اند. با قبول اینکه این وظیفه را بعنوان حاکم دارا بودند، به حکم تنقیح مناط این ولایت برای حاکم شرع جامع شرایط نیز اثبات می گردد.

امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتبی است. برای انجام بعضی از مراتب آنکه نیاز به ضرب و تادیب است در بین فقها دو نظریه وجود دارد:

برخی از آنها اجازه حاکم شرع را برای ضرب و تادیب لازم می دانند و برخی دیگر لازم نمی دانند.<sup>۷</sup> در هر صورت برای شخص حاکم شرع و کسی که به امر اجازه او به این وظیفه عمل می نماید ولایت بر تادیب صبی و مجنون از باب امر به معروف و نهی از منکر ثابت است.

فقها این واجب را به چند قسم تقسیم نموده اند: قسمتی از آن اختصاص به واجبات و محرمات دارد، قسمتی دیگر در مستحبات و مکروهات نیز جاری است، و قسمت اخیر شامل افعال صبی و مجنون می گردد. بنابراین اگر نوجوانی نماز نخواند، با اینکه نماز خواندن در حق او مستحب است (بنابراین عبادات صبی ممیز استحباب داشته باشد) حاکم شرع برای وادار ساختن او به این مهم ولایت دارد و همین طور برای باز داشتن او از انجام امور خلاف مصالح اجتماعی.<sup>۸</sup>

از مواردی که فقهاء در خلال مباحث مختلف فقهی بدان تصریح کرده اند، مسئله ولایت پدر بر تادیب فرزندش است، آنان این حکم را مسلم دانسته اند و آن را امر به تادیب قرآن کریم بیان نموده اند.<sup>۹</sup>

**ولایت وصی:**

بسیاری از فقها ولایت وصی را بر تادیب صغار را تحت عنوان مستقل مطرح ننموده اند ولی چون آنها بحث از وصیت بر ولایت دارند دیدگاه مختلف دارند.

علامه حلی در خصوص وصی معتقد است که بعد از مرگ وصیت کننده، وصی می تواند در هر چیزی دخالت نماید و باید دیون او را بپردازد و اگر طلبی دارد را بگیرد و به وصیت او بین فرزندان وزن یا دیگر کسانی که وصیت نموده توزیع نماید.<sup>۱۰</sup> ولایت وکیل:

از دیدگاه فقها وکیل کسی است که از جانب شخص وصیت کننده یا وارث او و بصورت قانونی برای اجرای امور تعیین می گردد و در مسائل متعددی که برای فرد فوت شده یا فرزندان و سایر افراد وجود دارد حق تصرف دارد. اثبات ولایت وکیل باید همواره با مستندات کافی باشد و بدون داشتن مستندات قانونی امکان پذیر نمی باشد.<sup>۱۱</sup>

**ولایت بر تادیب زوجه:**

<sup>۵</sup> ابن ادریس، السرائر، ج ۲، ص ۵۳۷.

<sup>۶</sup> شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۶، ص ۲۶۵.

<sup>۷</sup> امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۶۱.

<sup>۸</sup> علامه حلی، مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۴۷۶.

<sup>۹</sup> محمد بن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۳۷۷.

<sup>۱۰</sup> علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۱، کتاب الوصیه، ص ۳۵۲.

<sup>۱۱</sup> محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۷، ص ۳۷۷ و ۳۷۸.

تمامی فقها معتقدند که شوهر حق دارد در صورت تخلف همسر از حقوق زوجیت او را با ضرب تادیب نماید و این امر را بر اساس دستورات قرآن کریم می دانند. بر اساس آیات قرآن کریم که به طور مفصل در سوره نساء ذکر شده مردان سرپرست زنان و درای سلطه بر آنها هستند و زمانیکه از مخالفت و نافرجامی آنها بیمناک هستند نخست آنها را موعظه کنند اگر پیروی نکردند در خواب از آنها دوری نمایند و اگر باز هم اطاعت نکردند آنها را کتک بزنند و هیچگونه ستم کردن دیگری مردان دیگر ندارند.

بر اساس آیات و روایات متعددی که در قرآن کریم وجود دارد خداوند پرداخت نفقه و مهریه زن را بر مرد واجب دانسته و در مقابل زنان وظیفه دارند که از دستورات مردان پیروی نمایند و چنانچه از آنها سرپیچی کنند مرد می تواند آنها را تنبیه نماید.<sup>۱۲</sup>

#### ولایت بر تادیب در حقوق:

بر اساس ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی والدین می توانند فرزندان خود را تنبیه نمایند بشرطی که شدت تنبیه زیاد نباشد. بر اساس این ماده به غیر از پدر و مادر کودک هیچکس نمی تواند فرزندان را تنبیه نماید به جز پدر و مادر و حتی اگر کسی در تربیت فرزندان نقش دارد این اجازه که کودکان را تنبیه نماید از او گرفته شده است. والدین بر تربیت و تادیب فرزندان حق دارند و می توانند فرزندان را به راحتی تربیت نمایند. در خصوص حق تادیب فرزندان ناشی از زنا و روابط نامشروع حقوق اساسی چنین امری را قبول ندارد و معتقد است از ارث والدین نمی برد و حق تربیت آن بر عهده نهادهای دیگر است.<sup>۱۳</sup>

در خصوص طلاق قانون اساسی معتقد است که فرزندان تا سن ۶ سالگی می توانند کنار مادر زندگی نمایند و بعد از آن حق نگهداری از فرزندان بر عهده پدر است مگر اینکه با توافق پدر و در قبال بخشش مهریه یا موارد دیگر این حق به مادر یا افراد دیگر واگذار گردد.<sup>۱۴</sup>

در صورت مرگ پدر حق نگهداری فرزندان بر عهده کسی است که پدر سفارش نماید یا کسی که بعنوان نماینده قانونی یا وکیل خانواده معرفی شده می باشد.<sup>۱۵</sup>

در خصوص زوجین حقوق اساسی ایران معتقد است که زنان باید مطیع شوهر خود باشند و چنانچه از زن خطایی سر زد مرد می تواند او را مورد تنبیه قرار دهد بطوریکه تنبیه شدید نباشد.

#### نتیجه گیری:

نتایج این مطالعه نشان می دهد که از نظر فقها اولیای صبی و مجنون اعم از پدر، وکیل و حاکم و امین می توانند بر اساس مصالح در صورت ارتکاب جرم تادیب نمایند. مرد بر زن ولایت دارد و در صورت بروز خطا مرد می تواند زن را تنبیه نماید بر اساس آنچه در شرع آمده است از دیدگاه فقها معلم بر شاگرد حق ولایت دارد و این امر در مورد تعلیم است. بر اساس ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی و ماده ۹۵ قانون مجازات اسلامی علاوه بر والدین، اولیاء قانونی و سرپرستان، صغیر و محجورین حق صلاحیت دارند. در مجموع با مقایسه دیدگاه فقها با حقوق اساسی می توان نتیجه گرفت که مسئله ولایت بر تادیب برگرفته از آیات قرآن کریم و روایات ائمه اطهار بوده و چندان تفاوتی با یکدیگر ندارند.

<sup>۱۲</sup> مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ص ۳۷۰.

<sup>۱۳</sup> اردبیلی، محمدعلی، ص ۵۴.

<sup>۱۴</sup> کاتوزیان، حقوق خانواده، ج ۲، ص ۱۲۷.

<sup>۱۵</sup> امامی، سید حسن، ج ۵، ص ۲۰۲.